

## فلسفه و تعلیم و تربیت اسلامی

۱. فاطمه زارعی (نویسنده مسئول) ۲. نسرین خاوری ۳. فرزند افکاری ۴. اسحاق حمزوی

۱. دبیر آموزش و پرورش استان بوشهر، دبستان پسرانه آیت الله سعیدی بیدفون منطقه عسلویه پایه اول گروه علوم تربیتی، ایران  
fatialireza904@gmail.com

۲. دبیر آموزش و پرورش استان بوشهر، دبستان دخترانه فضیلت بیدفون منطقه عسلویه پایه اول گروه علوم تربیتی، ایران:  
khawrynsryn526@gmail.com

۳. دبیر آموزش و پرورش استان بوشهر، دبستان پسرانه آیت الله سعیدی بیدفون منطقه عسلویه پایه دوم گروه علوم تربیتی، ایران  
afkarifarkhondeh127@gmail.com

۴. دبیر آموزش و پرورش شهرستان مهر، آموزگار پایه اول آموزشگاه شهید ابولی قلعه محمد علی منطقه مهر گروه علوم تربیتی، ایران  
hamzavi1994@gmail.com:

### چکیده

سابقه و هدف: با نگاهی به آیات قرآن کریم، روایات معصومان و سیره عملی پیشوایان دین، درمی یابیم تعلیم و تربیت از مهمترین اهداف انبیا به شمار می رود که هدف آن فقط کمک به پیشرفتهای علمی، فنی، هنری و غیره، نیست، بلکه مهمترین رسالت آن تربیت معنوی و اخلاقی انسانها و کمک به تعالی همه جانبه آنان است.

مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش سامان دادن به تعلیم و تربیت اسلامی که راهکاری مهم برای اسلامی سازی علوم انسانی است، نیازمند سامان دادن به زیرساختها و تبیین و توجیه عقلی این نظام براساس مبانی فلسفی و آموزه های اسلامی است، که از رسالتهای اصلی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی شمرده می شود.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود اسلامی سازی علوم انسانی، از ضرورتهای اجتنابناپذیر جامعه اسلامی است. با توجه به جایگاه بی بدیل تعلیم و تربیت که خاستگاه اصلی انتشار و توسعه علوم انسانی و پرورش نخبگان جامعه به شمار می رود، ضرورت اسلامی سازی این علوم بیش از حوزه های دیگر احساس می شود.

کلیدواژه ها: تعلیم و تربیت، اسلام، امنیت و آرامش.

**مقدمه**

فلسفه تعلیم و تربیت، چارچوبی برای تفکر و تصمیم‌گیری در باب تعلیم و تربیت فراهم می‌سازد که بدون داشتن آن، نه می‌توان به اندیشه ورزی منسجم درباره مسائل تعلیم و تربیت پرداخت و نه به نحو منسجم به تصمیم‌گیریهای عملی اقدام کرد. هرگونه تصمیم‌گیری در این باره که چه بیاموزیم، چرا بیاموزیم و چگونه بیاموزیم، به جهان بینی و مبانی فلسفی ما بستگی دارد. [۱].

روشن است، در صورتی چنین تعلیم و تربیتی تحقق می‌یابد که بر شالوده‌های مستحکم بنا شده و ریشه در واقعیت داشته باشد. اساساً هر مکتبی، تعلیم و تربیت را براساس باورها و ارزشهای مد نظر خود، تعریف می‌کند، زیرا بی‌گمان، دیدگاه هر مکتب درباره مربی، متربی، ابعاد و مراحل تربیت، به صورت مستقیم در ابعاد مختلف تعلیم و تربیت، نقش دارد. از همین رو، هرگونه اصلاحات اساسی در نظام آموزشی و تربیتی، به بازنگری در زیرساختهای آن وابسته است، در غیر این صورت، فقط تغییرات محدود و صوری را در پی خواهد داشت. [۲]

**مواد و روشها**

پژوهش حاضر یک پژوهش کاربردی است که با استفاده از روش پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام گردیده است. در این مطالعه برای استخراج و تدوین مطالب از روش سه سو سازی استفاده گردید؛ یعنی مطالعه با بهره‌گیری از پژوهشهای مربوط و مبانی نظری انجام شد. این روش تحقیق از نوع روش تحقیق نظری است که با روش تحلیل محتوا و با رویکرد کیفی انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، فیشهای برداشت شده از کتب گوناگون و از طریق مطالعه کتابخانه‌ای بوده است. قلمرو تحقیق، کلیه منابع اصلی و دست اول و همچنین منابعی بوده است که دیگران به صورت نقد در خصوص آنها تدوین نموده و به زبان‌های انگلیسی و فارسی بوده است. در این مورد محقق به سراغ منابع اولیه و وکتاب‌ها، آثار و نوشته‌های دست اولی که به طور مستقیم و غیر مستقیم به موضوع اشاره نموده رفته است. بر اساس تحلیل منابع، یافته‌های پژوهش را ارائه داده است و در نهایت این یافته‌ها را مورد بحث قرار داده است. شیوه انتخاب منابع که مبنای تحلیل قرار گرفته است، عمدتاً اصالت منبع، موثق بودن و مرجعیت نویسنده یا نویسندگان بوده است. همچنین قابلیت دسترسی به منابع نیز وجهه نظر قرار گرفته است و در پایان به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بحث می‌پردازیم.

**مبانی نظری****تعلیم و تربیت اسلامی**

رویکرد نخست به فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی این است که برای سامان دادن به آن، فقط باید از فلسفه، به طور کلی و از فلسفه تعلیم و تربیت معاصر به طور خاص، همچون روش و ساختار بهره گرفت. در این رویکرد، به سبب نگاه بدبینانه‌ای که به فلسفه اسلامی وجود دارد، بر این نکته تأکید می‌شود که فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی فقط باید از متون دینی، اما با روش عقلی و فلسفی استنتاج شود. پیش‌فرض اصلی این گروه آن است که متون اسلامی، در عین حال که حاوی مضامین گوناگون تربیتی است، به شکل ساختارمند عرضه نشده است، زیرا این متون در درجه نخست، متون دینی است، نه متون تربیتی، از همین رو، در تدوین فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، لازم و مفید است که از ابزارها و روشهای مورد استفاده فیلسوفان تعلیم و تربیت، برای تنظیم و ساختاربخشیدن به مضامین تربیتی متون دینی اسلام بهره‌جوییم [۳]

در این رویکرد، دادوستد با فلسفه به طور کلی و با فلسفه تعلیم و تربیت معاصر به طور خاص، محدود به روشناسی است، زیرا جنبه‌های روشی فلسفه، عینیت و عقلانیت بیشتر و مطمئن‌تری دارند تا یافته‌ها و محتواهایی که به کمک این روشها به دست آمده است و به صورت نظامهای فلسفی محض یا فلسفه تعلیم و تربیت مطرح می‌شوند. براساس همین عینیت و تعمیم‌پذیری افزونتر روشهاست که می‌توان نظام فلسفی معینی از نظر یافته‌ها و محتوا کنار گذاشت، اما به لحاظ روش از آن استفاده کرد. البته، در استفاده از فلسفه به مثابه ساختار و روش نباید از این نکته غفلت کرد که روشهای اندیشه و پژوهش همواره بر پیش‌فرض‌هایی متناسب با فلسفه‌های مربوط به آنها استوار می‌شوند و روشهای خنثی و فارغ از پیش‌فرض وجود ندارد [۴].

### رویکرد استنتاج از فلسفه اسلامی

برخی با اعتقاد به اتقان فلسفه اسلامی و ارج نهادن به دستاوردهای فیلسوفان مسلمان، در پی کاربردی کردن این باورها در عرصه های مختلف، از جمله عرصه تعلیم و تربیت اند. در این رویکرد، به آثار و نظام فلسفی فیلسوفان اسلامی، از این دیدگاه که برآمده از منابع اسلامی است، در مقام تنها منبع استنتاج فلسفه تعلیم و تربیت نگریسته شد، دلالت های تربیتی آن استخراج می شود. این گروه ادعا ندارند فلسفه اسلامی موجود، به صورت کامل و صددرصد اسلامی است، پس طبعاً درباره فلسفه تعلیم و تربیت برخاسته از آن نیز چنین ادعای نخواهند داشت. بلکه معتقدند فلسفه اسلامی، به ویژه حکمت متعالیه، برآمده از دغدغه های حقیقت جوین های است که در عین مواجهه فعال با اندیشه های فلسفی عمدتاً یونانی - و استفاده از آنها، بیشترین اهتمام را برای منابع معرفتی مورد قبول اسلام، یعنی وحی، سنت قطعیه، برهان عقلی و شهود عرفانی، داشته است [۵]

به همین دلیل، هم فلسفه اسلامی و هم فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی برآمده از آن را می توان اسلامی نامید. بنابراین، در این رویکرد، نخست باید نظام معینی از فلسفه های اسلامی مانند حکمت متعالیه را برگزینیم و با مینا قرار دادن آن، اهداف، محتوا، اصول و روش های تعلیم و تربیت را مبتنی بر مبانی هستی شناختی، معرفت شناختی، انسان شناختی و ارزش شناختی آن نظام فلسفی ساماندهی کنیم هاری اس برودی در مقاله ای که با عنوان چگونه تأملات فلسفی می تواند فلسفه تعلیم و تربیت باشد؟ به توجیه رابطه نظریه، عمل و جنبه فلسفی فلسفه تعلیم و تربیت پرداخت. برودی فلسفه تعلیم و تربیت را شاخه ای از فلسفه و آن را از نظر روش و محتوا فلسفی می داند و از آن هم در مقام نظریه پردازی و هم در مقام نظریه آزمایی و نقد نظریه بهره می گیرد [۶]

آی. ال. کندل نیز در مقاله خود با عنوان فلسفه تعلیم و تربیت نظریه هاری برودی و همچنین پرایس را که فلسفه تعلیم و تربیت را بخشی از فلسفه تلقی می کند و از آن هم در جهت نظریه پردازی و هم نظریه آزمایی بهره می برد ستایش می کند: از راه استنتاج جنبه های مختلف فلسفه عام، می توان کمک بی حد و حصر به فلسفه تربیتی سالم و معقول در زمینه هایی از قبیل تعیین اهداف، محتوا و روشها، تعریف معنا و جایگاه دانش و یادگیری و کشف ماهیت ارزشها و ارزشهایی که باید به سوی آنها حرکت نمود، عرضه کرد، در اینصورت سطح تعلیم و تربیت، بسیار تعالی خواهد یافت [۷].

### رویکرد فلسفه حکمت متعالیه

از مهمترین نقاط قوت این رویکرد، ارج نهادن به میراث گرانبهای علوم عقلی اسلامی، بخصوص حکمت متعالیه است. این گروه به رغم ارزش فراوانی که برای فلسفه اسلامی قایلند، اما کاستیهای آن را نیز می پذیرند، از اینرو، این ادعا که این گروه حکمت متعالیه را متعالی از نقد می دانند [۸] شاید منصفانه نباشد، زیرا پیروان حکمت متعالیه نیز نقدپذیری این فلسفه را می پذیرند و در عمل نیز نقدهای فراوانی بر نظریات ملاحظه وارد کرده اند و اصلاحات فراوانی نیز به وجود آورده اند. مثلاً، پاورقی های ملاحظه سبزواری، علامه مظفر و علامه طباطبایی بر اسفار، یا تعلیق استاد مصباح و استاد فیاضی بر نهاییه و دهها آثار دیگر از فیلسوفان مسلمان معاصر، حاکی از پویایی فلسفه اسلامی و روحیه نقاد پیروان حکمت متعالیه است. [۹]

اسلامی بودن و برخاستن فلسفه اسلامی از متن فرهنگ و منابع اسلامی، از مسائل مهم است که متفکران اسلامی از آن دفاع کرده و برای آن بسیار ارزش قایل شده اند. شهید مطهری در مقاله سیر فلسفه در اسلام، برای دفاع از اسلامی بودن فلسفه اسلامی، مسائل آن را به چهار دسته تقسیم می کند:

۱. مسائلی که تقریباً به همان صورت اولی که ترجمه شده باقی مانده است،

۲. مسائلی که در فلسفه اسلامی کامل شده اند، یعنی فلسفه اسلامی پایه های آن مسائل را مستحکمتر کرده است به

گونه ای که شکل استدلال را تغییر داده یا استدلالهای جدیدی که اهمیت فوق العاده دارد به آنها اضافه کرده است. [۱۰]

### رویکرد استمداد از منابع دینی

در این رویکرد فلسفه اسلامی هم از نظر روش و هم از نظر محتوا به مثابه منبع استنتاج فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی لحاظ می شود، اما برخلاف رویکرد پیشین، اولاً محقق با توجه به برخی نواقص و احیاناً ناخالصی هایی که ممکن است در

فلسفه اسلامی وجود داشته باشد، آنها را با معیارها و آموزه های قطعی دین مبین اسلام محک می زند، ثانیاً می کوشد، فلسفه تعلیم و تربیت استنتاج شده را به صورت پالایش شده و نابتر به جامعه اسلامی تقدیم کند، به بیان دیگر، محقق به سبب سهولت کار، برای تلاشها و دستاوردهای فیلسوفان مسلمان بهای شایسته قایل شده است و نخست به سراغ نظامهای فلسفی موجود می رود، اما با اعتقادی که به برتری وحی و سنت قطعی بر فلسفه دارد، اولاً مواردی را که درخور نقد و تأمل می یابد، با معیارها و آموزه های قطعی دین محک می زند، ثانیاً می کوشد، با مراجعه به منابع دینی، افزون بر اعتباربخشی دینی به دریافتهای فلسفی خود، کمبودها را نیز تکمیل کند و فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی نابتر و کاملتر را با استمداد از منابع دینی سامان بخشد. [۱۱]

در این رویکرد استفاده از فلسفه محدود به گردآوری و فرضیه پردازی نیست، بلکه حتی در مقام تبیین و اعتباربخشی نیز از فلسفه استفاده می شود، ولی برای تأمین هرچه بیشتر اعتبار اسلامی یافته های خود، آنها را در معرض قضاوت معیارهای قطعی دین نیز قرار می دهد. [۱۲]

### رویکرد علوم عقلی اسلامی

برخی معتقدند با مراجعه به منابع دینی و اصل قرار دادن تعالیم وحیانی و در عین حال بهره گیری از میراث گرانبهای علوم عقلی اسلامی و دستاوردهای معتبر تجربی، می توان فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی را سامان داد. [۱۳]

در این رویکرد، اساس قرار دادن باورها و آموزه های برخاسته از منابع اسلامی برای استنتاج فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مانع از آن نیست که از فلسفه اسلامی و حتی دیگر مکاتب فکری و دستاوردهای تجربی - به شرطی که به منزله منابع فرعی لحاظ شوند و با روح اسلامی هماهنگ باشند - بهره برداری شود. [۱۴].

به همین سبب، با آنکه در این رویکرد، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی هویتی مستقل دارد و برگرفته از منابع دینی است، این استقلال نه مانع از بهره وری آن از نظام های فلسفی می شود و نه مانع از مشابهت های آن با دیگر نظام های فلسفی و تربیتی. بر این اساس، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، تا آنجا که فلسفه است، ویژگی های اساسی فلسفه - همچون جامعیت، وسعت منظر، قابلیت اعتبارسنجی به صورت عقلی و برون دینی - را داراست و تا آنجا که به تعلیم و تربیت مربوط می شود، این ویژگیها را در حوزه تعلیم و تربیت وارد می کند و برای فهم و حل مسائل آن به کار می گیرد و از آنجا که اسلامی است، مبتنی بر معارف اسلامی و هماهنگ با روح آن است. [۱].

### روش پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی

از مباحث بسیار مهم که در ساماندهی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی باید به آن توجه شود، روش شناسی پژوهش در این عرصه است. اصلی ترین روش پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، روش استنتاجی است. هرچند به گشودگی روش شناختی و استفاده از ظرفیت های دیگر روشها نیز توصیه شده است، در عمل همه از روش استنتاجی بهره برده اند، ولی به شرح و بسط آن نپرداخته اند. [۲]

برای استفاده از این روش در فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی سه صورت متصور است:

أ) روش پیشرونده یا لمی: در این روش، قبل از تعلیم و تربیت اسلامی، نخست مبانی آن در عرصه های مختلف هستی شناختی، معرفت شناختی، انسان شناختی، الهیاتی و ارزش شناختی، از منابع دینی استنتاج می شود، سپس اهداف، اصول، روشها، مراحل، ساحات، عوامل و موانع تعلیم و تربیت اسلامی را براساس این مبانی از منابع دینی استنتاج کرده، آنگاه تعلیم و تربیت را براساس فلسفه تعلیم و تربیت استنتاج شده از منابع دینی، ساماندهی می کنیم، [۳]

ب) پسرونده یا اینی: در این روش، اول تعلیم و تربیت اسلامی را از منابع دینی استنباط می کنیم، آنگاه فلسفه آن را با استمداد از علوم عقلی اسلامی، از منابع دینی، استنتاج می نماییم، [۴] ج) دوسویه: در این روش، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و تعلیم و تربیت اسلامی،

می تواند با همدیگر رابطه دوسویه داشته باشد و همزمان با نگاه دوسویه به کار ساماندهی هر دو بپردازیم. [۵]

### رویکرد تربیتی اجتماعی

تربیت اجتماعی در جایی تصوّر می شود که برای انسانهای دیگر در اجتماع، حقوق و تکالیفی در نظر گرفته شود. زیرا «تربیت» فرایندی است که در بُعد اجتماعی هدفش تسهیل عمل به وظائف اجتماعی در مقابل سایر انسانها و موقعیت های اجتماعی است. [۶].

بنابراین لازمه یک نظام تربیت اجتماعی منسجم، در نظر گرفتن حقوق متقابل افراد انسانی، در جامعه می باشد و این نظام باید بتواند با ساده ترین روشها مترتبان خود را به حقوق اجتماعی یکدیگر آشنا ساخته و رفتار مطابق آنها را درخواست نماید. [۷]

هر حقی تو به گردن برادرت داری، او هم به گردن تو دارد». از سوی دیگر، حضرت معیار جامعی برای انتخاب رفتار مناسب و شایسته در برابر سایر برادران دینی به دست می دهد که انسان با به کار بستن آن می تواند جامعه اسلامی را به گلستان ابدی تبدیل نماید، و با داشتن این قاعده کلی، دیگر نیاز چندانی به تعیین مصادیق در برخوردهای اجتماعی باقی نمی ماند. [۱۰]

### اهداف تربیت اجتماعی

برخی هدف از تربیت اجتماعی کودک را در وهله اوّل، ایجاد آمادگی برای انطباق با محیط اجتماعی می دانند [۱۱] تربیت انسانی نمی تواند در تمامی ابعادش (از جمله تربیت اجتماعی) در نهایت، اهدافی متفاوت با خلقت انسان داشته باشد. خداوند در مورد هدف آفرینش می فرماید: «و ما خلقت الجنّ و الانس الاّ ليعبدون» (ذاریات / ۵۶)، و ما جنّ و انس را نیافریدیم جز آن که خدا را عبادت نمایند. برخی عبادت را به معنای «شناخت» تفسیر کرده اند. [۱۲]

نظام واحد نیازمند به هدف واحد برای اجزا و عناصر خویش می باشد و هدف واحد تمامی انواع تربیت ها می بایست به «عبادت و شناخت» خدا منجر شود. بر همین مبنا و اساس، هدف از تربیت اجتماعی در نهایت، «قرب الهی» است هر چند اهدافی که یاد شد، اهداف متوسطی می باشند که همه به یک نقطه نشانه رفته اند. [۱۳].

### تربیت در اسلام

اهمیت شئون انسان و جایگاه تربیت برای پرورش انسان کامل در اسلام به حدی است که توفیق راهنمایی یک فرد، بهتر از هر چیزی است که در دنیا وجود دارد. [۱]

خداوند از احیای یک انسان به عنوان احیای همه انسانها و از میراندن یک انسان به عنوان میراندن کل انسانها یاد کرده است که این زنده کردن و میراندن صرفاً بعد فیزیکی انسان را پوشش نداده است، بلکه بعد انسانیت و معنوی را نیز شامل می شود. این جاست که اهمیت تعلیم و تربیت در مکتب والای اسلام جایگاه خویش را نشان می دهد: بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بی آن که فساد و فتنه ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته، و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده ... (مائده: ۳۲). [۳]

### عناصر تربیتی در اسلام

علاوه بر ویژگی خلقت انسان به عنوان جانشین خداوند که از روح خدا در او دمیده شده، عناصر تربیتی متعددی در اسلام وجود دارد که صاحب نظران تعلیم و تربیت اسلامی باید به آن توجه کنند. [۴].

#### ۱. فطرت

این که انسان تا چه اندازه از پیش دانسته پا به عرصه وجود می گذارد در مکاتب مختلف متفاوت است. از نظر قرآن انسان لوح سفید و فاقد اطلاعات نیست، بلکه با قوای خاص پا به عرصه حیات دنیوی می گذارد. سلسله ویژگی هایی که در اصل خلقت انسان برای همگان وجود دارد، فطرت است. [۵] این خلقت مستقیماً از صنع باری تعالی است، نه از میراث گذشتگان. فطرت در قرآن خلقتی صدرصد ابتدایی است که حتی در غیر انسان هم سابقه ندارد. پس فطرت امری تکوینی است و جزء سرشت

انسانی است و نه امری اکتسابی. چه بسا این سرشت به طور ارثی، ذاتی و بالقوه است که رشد آن منوط به زمینه و استعداد است [۶]

## ۲. عقل

علاوه بر فطرت، عقل نیز در هدایت انسان نقش مهمی دارد. عقل و فطرت دو موهبت الهی برای هدایت انسان است. عقل نظری همان شناخت حق از باطل و عقل عملی شناخت خوبی از بدی است. خداوند مسیر و راه را با پیامبر درونی یعنی عقل و پیامبران بیرونی یعنی انبیا و رسولان نشان داده است و این انسان است که باید راه را انتخاب کند. محققاً در خلقت آسمان‌ها و زمین رفت و آمد شب و روز دلایل روشنی است برای خردمندان عالم (آل عمران: ۱۹۰). [۷]

توانایی اندیشیدن درباره این حقایق خود نشانه‌ای از توحید الهی است. گاهی قرآن از اندیشیدن درباره سنن الهی یاد کرده است. شش آیه در قرآن فقط با عبارت «آیا در زمین سیر نمی‌کنند» آغاز شده که به دنبال آن تعقل انسان را درباره گذشتگان تذکر می‌دهد. [۸]

## ۳. خواندن

از آیاتی که انسان را به خوبی توصیف کرده است، آیات اولیه سوره علق است. در آیات نازل شده به هنگام بعثت نبی اکرم (ص)، دو رابطه استاد و شاگردی که رابطه معرفتی و شناختی است و نیز رابطه امردهی و امربری به خوبی نشان داده شده است. خداوند معلم انسانی است که هیچ نمی‌دانست و با قلم آنچه را نمی‌دانست به او آموخت. [۱۰].

## ۴. انتخاب و مسئولیت

به دنبال انتخاب، مسئولیت‌پذیری است که آن هم با اختیار همراه است. اختیار اعمال نظارت و سلطه شخصیت بر جنبه‌های مثبت و منفی کار است. شرط استفاده از این توانایی تجهیز انسان بر قوه عقل است. عقلی که می‌تواند صحیح را از غلط بشناسد. یکی از آموزه‌های دینی امر به معروف و نهی از منکر است که مبین مسئولیت‌پذیری انسان است. [۱۴].

## ۵. نفس

الهام به خوبی و بدی از مصادیق فطرت است، اما از منظر انسان‌شناسی افزون بر جسم و روح، پرورش نفس در دو بعد انسانی و حیوانی تحقق‌پذیر است. نفس زکیه به کمالات و نفس اماره به رذایل رهنمون می‌کند. در حالی که در تعلیم و تربیت اسلامی بر تربیت و تزکیه نفس تأکید زیادی شده است. [۲].

## رویکرد تربیت ارزشی در قرآن

تعلیم و تربیت ارزش‌ها چگونه از گرایش‌هایی چون تربیت اخلاقی و تربیت دینی متمایز می‌شوند؟ این تمایز از دو جنبه تشخیص‌پذیر است: اولاً تعلیم و تربیت ارزش‌ها بیشتر و به طور مستقیم بر انعکاس و تبیین و پرورش و گسترش ارزش‌ها تأکید می‌ورزد، در صورتی که گرایش‌هایی چون تربیت اخلاقی و دینی و نظایر آن بیشتر ناظر به آموزش و تربیت متعلمان و متریبان اند، ثانیاً دایره تعلیم و تربیت ارزش‌ها به مراتب گسترده‌تر از دایره دیگر گرایش‌ها در حوزه تعلیم و تربیت است، یعنی مبانی و اصول مرتبط و ناظر به همه گرایش‌های تربیتی در این دایره می‌گنجد [۵].

هنگامی که سخن از رویکرد به میان می‌آید، باید توجه کرد که رویکرد تنها مشتمل بر گرایش و روشمندی نیست، بلکه با مبانی و اصول نیز دارای مرز مشترک است. با اشاره به رویکرد، مقوله‌های مختلفی چون راه، ابزار و وسایل، امکانات و هدفمندی تداعی می‌شوند. این مقوله‌ها هر یک به نوعی رویکرد را پدید می‌آورند. فیلسوف با رویکرد فلسفی، مفسر قرآن با رویکرد تفسیری، روان‌شناس با رویکرد روان‌شناختی، پزشک با رویکرد پزشکی، جامعه‌شناس با رویکرد جامعه‌شناختی، زیست‌شناس با رویکرد زیست‌شناختی، کارشناس تعلیم و تربیت با رویکرد تربیتی، و فقیه با رویکرد فقهی هر کدام از دریچه نگاه علمی خویش به معرفی سیمای انسان و بیان ویژگی‌های وجودی او می‌پردازد و هویت و جایگاه او را در نظام آفرینش تجزیه و تحلیل می‌کند. رویکردهای متفاوت ممکن است دیدگاه‌های متفاوتی را پدید آورند و گوناگونی دیدگاه‌ها چه بسا به ارائه تفسیرهای مختلف از یک موضوع مشترک، با توجه به جنبه‌ها و زوایای متفاوت منتهی گردد. [۷].

## بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که ارزیابی نظام تعلیم و تربیت و شناسایی نقاط قوت و کاستی آن، که به اندازه خود تعلیم و تربیت حایز اهمیت است، نیازمند معیارهای ارزیابی دقیق و متقن است، که به اتقان و حقانیت مبانی بستگی تام و تمام دارد (ایروانی، شهین، ۱۳۸۸). مراکز تولید و توزیع علم، به منزله مهد پرورش سازندگان علم، پیش از هر چیز باید به جمع بندی متقن و منطقی درباره مباحث بنیادی و اساسی برسند. بی شک، ساختن چنین بنایی عظیم نیازمند مهندسی دقیق است که در پرتو فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی امکان می پذیرد.

## منابع و مأخذ

- [۱] آلوسی، روح المعانی (۱۴۰۵ ق)، بیروت، احیاء التراث عربی
- [۲] بابازاده، علی اکبر (۱۳۷۶) تحلیل سیره فاطمه الزهرا، بی جا، انصاریان
- [۳] باقری، خسرو (۱۳۸۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۲، تهران، انتشارات مدرسه
- [۴] بختیار نصر آبادی، حسنعلی (۱۳۸۸) نگاهی به اصول و راهبردهای تربیت کودک با تأملی بر آیات و روایات، اصفهان، دانشگاه اصفهان
- [۵] بستانی، محمود (۱۳۷۲ ش) اسلام و روان شناسی، ترجمه محمود هوشم، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، مشهد
- [۶] بهشتی، احمد (۱۳۷۷) تربیت کودک در جهان امروز، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم
- [۷] بهشتی، احمد (۱۳۷۷) اسلام و حقوق کودک، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم،
- [۸] پارسا، محمد (۱۳۷۴) روان شناسی تربیتی، انتشارات سخن
- [۹] پسندیده، عباس، (۱۳۸۹ ش)، اخلاق پژوهی حدیثی، تهران، سمت، چاپ دوم
- [۱۰] تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶)، الف، غُرَّرَ الْحِکْمَ وَ دُرَّرَ الْکَلِمَ، شرح آقا جمال خوانساری، چ ۴، تحقیق جلال الدین حسینی ارموی محدث، تهران، دانشگاه تهران
- [۱۱] توکل، ر (۱۳۸۲)، روزه‌ای به سوی اسرار الهی، قم، شاکر
- [۱۲] جباری، ا (۱۳۷۹)، هدایه المتقین الی المعاد، شیراز انتشارات نوید
- [۱۳] جعفری، محمدتقی، (۱۳۶۲ ش)، تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، جیمز، ویلیام، (بی تا)، دین و روان، مترجم مهدی قایینی، تهران، انتشارات دار الفکر
- [۱۴] جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، حکمت علوی، به کوشش سعید بندعلی، قم، اسراء